



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دیروز مواردی را از نهج البلاغه در مورد ولایت و امامت ذکر کردیم، نهج البلاغه کتاب بسیار بسیار مهمی می باشد، در جلد ۴ و جلد ۱۴ "الذریعة" إلى تصانیف الشیعة" بحثهای مفصلی در مورد نهج البلاغه مطرح شده من جمله اینکه بعد از قران هیچ کتابی به اندازه نهج البلاغه از لحاظ متانت و جامعیت و استحکام وجود ندارد و خلاصه اینکه نهج البلاغه کتاب بسیار جامع و کامل و محکم و مهمی می باشد.

عرض کردیم حضرت امیر علیه السلام در چند جا درباره موضوع ولایت و امامت سخن گفته اند، اولین مورد در خطبه ۲۱۶ (طبق شماره گذاری مرحوم دشتی) بود که: "خطبها بالصفین"، امیرالمومنین علیه السلام در این خطبه از باب حقوق وارد می شوند و اینطور می فرمایند: ﴿وَأَعْظَمُ مَا افْتَرَضَ . سُبْحَانَهُ . مِنْ تِلْكَ الْحُقُوقِ حَقُّ الْوَالِي عَلَى الرَّعِيَّةِ، وَحَقُّ الرَّعِيَّةِ عَلَى الْوَالِي، فَرِيضَةٌ فَرَضَهَا اللَّهُ . سُبْحَانَهُ . لِكُلِّ عَلَى كُلِّ، فَجَعَلَهَا نِظَامًا لَأَلْفَتِهِمْ، وَعِزًّا لِدِينِهِمْ . فَلَيْسَتْ تَصْلُحُ الرَّعِيَّةُ إِلَّا بِصَلَاحِ الْوَلَاةِ، وَلَا تَصْلُحُ الْوَلَاةُ إِلَّا بِاسْتِقَامَةِ الرَّعِيَّةِ، فَإِذَا أَدَّتِ الرَّعِيَّةُ إِلَى الْوَالِي حَقَّهُ، وَأَدَّى الْوَالِي إِلَيْهَا حَقَّهَا عَزَّ الْحَقُّ بَيْنَهُمْ، وَقَامَتْ مَنَاهِجُ الدِّينِ، وَاعْتَدَلَتْ مَعَالِمُ الْعَدْلِ، وَجَرَتْ عَلَى أَذْلَالِهَا السُّنَنُ، فَصَلَحَ بِذَلِكَ

الزَّمَانُ، وَطَمَعٌ فِي بَقَاءِ الدَّوْلَةِ، وَيَسْتَمَطَّاعُ الْأَعْدَاءُ... إلى آخر كلامه الشريف<sup>۱</sup>.

بحث حقوق در وسائل الشیعة ۲۰ جلدی جلد ۱۱ صفحه ۱۳۱ در باب ۳ از ابواب جهاد النفس نیز از ثابت بن دینار که همان ابوحمزه ثمالی است از امام سجاد علیه السلام نقل شده است و صاحب وسائل می فرماید رساله حقوق امام سجاد علیه السلام در "من لایحضره الفقیه" و "خصال" و "مجالس" صدوق نیز نقل شده است و همچنین در "تحف العقول" و "مکارم الأخلاق" مرسلأ نقل شده است.

خوب و اما در اواخر خطبه مذکور بیان شده که وقتی حضرت امیر علیه السلام در جنگ صفین این خطبه را بیان فرمودند یک نفر از جا بلند شد و تشکر و تمجید کرد و گفت ما مطیع شما هستیم، خیلی ها فکر می کردند وقتی پیغمبر از دنیا برود اسلام تمام و نابود خواهد شد ولی امر الهی مقدر شده بود تا امیرالمومنین علیه السلام جانشین ایشان بشود لذا در آیه شریفه ابتداء اینطور ذکر شده: ﴿الْيَوْمَ يَنْسَى الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَحْشَوْهُمْ وَ اخْشَوْنَ﴾<sup>۲</sup> و بعد گفته شده: ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾<sup>۳</sup> یعنی کفار و دشمنان تا به حالا پیش خودشان یک روزنه امیدی داشتند و می گفتند اگر پیغمبر از دنیا برود چونکه پسری ندارد جانشینی نیز نخواهد داشت و کار پیغمبر و دین اسلام و مسلمانان تمام خواهد شد اما وقتی

<sup>۱</sup> نهج البلاغه، تنظیم مرحوم دشتی، خطبه ۲۱۶، ص ۲۲۵.

<sup>۲</sup> سوره مائده، آیه ۳.

<sup>۳</sup> سوره مائده، آیه ۳.

این خطبه ۲۱۶ بود که به عرضتان رسید بقیه بحث  
بماند برای فردا إن شاء الله تعالی ...

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی  
محمد و آله الطاهیرین

حضرت امیر علیه السلام با آن ویژگیهای منحصر به  
فرد به عنوان جانشین پیغمبر معرفی شد کفار و  
دشمنان مأیوس شدند و فهمیدند که حضرت امیر  
علیه السلام شخصی خواهد بود که راه پیغمبر و  
اسلام را ادامه خواهد داد، خلاصه اینکه وقتی  
حضرت این خطبه را خواند شخصی بلند شد و  
حضرت را مورد تعریف و تمجید و تکریم قرار داد لذا  
حضرت تذکر دادند مبادا همان طوری که پادشاهان  
و جباران و سلاطین مدح می شوند من را مدح کنید  
چراکه من آن طور نیستم، یکی از انحرافات که  
بوجود آمده بود همین بود که عده ای چاپلوسی  
سلاطین و پادشاهان را می کردند و برای آنها  
اشعاری می سرودند و آنها را مدح می کردند که  
حضرت در اینجا نیز به آن شخص تذکر می دهد و  
می گوید فکر نکنید من از این تعریف و تمجیدها  
خوشم می آید من یکی از بندگان خدا هستم و  
اینطور نیست که خودم را از خطا منزه بدانم، البته  
درباره همین جمله حضرت بحثهایی مطرح شده و  
وهابیت و دشمنان شیعه می گویند شما امیرالمومنین  
علیه السلام را معصوم می دانید درحالی که خود  
ایشان در نهج البلاغه فرموده من از خطا منزه نیستم،  
در شرح خوئی در مورد این فرمایش حضرت اینطور  
گفته شده که حضرت در ادامه کلامش فرموده: "إلا  
أن تکفی الله من نفسی" یعنی مگر اینکه خداوند  
من را حفظ کند دقیقا مانند حضرت یوسف علیه  
السلام یعنی خداوند متعال آن ها را در یک فضا و  
محدوده ای قرار می دهد و بعد به آنها کمک  
می کند تا مرتکب خطا و گناه نشوند.